

## دیدار با مقام معظم رهبر

حضرت آیت‌الله رهبر معظم: بنده یک معلمم، معلم فیزیک. تخصص‌ام یاد دادن و یاد گرفتن و اندیشیدن است. در این اواخر که به فرموده‌ی جنابعالی قرار است الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت تدوین شود سعی کرده‌ام در اوقاتی که به فیزیک نمی‌پردازم به الگوی یاد شده بیان‌دهم. در این مجلس مجال سخن دراز نیست. تنها به دو سخن و آن هم به کوتاهی می‌پردازم.

سخن اول: در دنیای دانشی شده و فناوری‌های امروز همه چیز قابل اندازه‌گیری است: انواع مسائل مربوط به اقتصاد، صنعت، خدمات، آموزش، مدیریت، حکومت، اخلاق، امنیت فردی و اجتماعی، سلامت جسم و روان، و کم و بیش هر آن چیزی که در زیر آسمان کبود می‌شود پیدا کرد. می‌توان برای هر کدام از این شئون پارامتری تعریف کرد و پیشرفت‌ها و پسرفت‌های جامعه را بطور کمی سنجید. بسیاری از این پارامترها هم موجودند و متخصصین کشورمان با آنها آشنا هستند. ولی نکته‌ای که کمتر به آن واقفیم و کمتر حوصله پرداختن به آن را داریم، پایش مداوم پارامترهای پیشرفت و پسرفت است. اجازه دهید خطر کنم و به بهای تک‌دُر خاطر مبارک مثال بیاورم سال گذشته را سال کوشش مضاعف و تولید مضاعف اعلام فرمودید. و سالی را که در همین روزها به سر می‌آید سال حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی. ولی کمتر کسی از مسئولین و غیر مسئولین صرافت آن را پیدا کرده که کار و کوشش سال گذشته و حمایت از کار و سرمایه‌ی امسال را بسنجد و گزارش دهد. اگر راه به درستی پیموده شده است ادامه یابد و اگر به بیراهه بوده اصلاح شود.

به نظر این کمترین لازم است برای وجوه مختلف پیشرفت جامعه و کشور پارامترهای مناسب تعریف شوند، به طور مستمر پاییده شوند و به طور مستمر تجزیه و تحلیل شوند. و راه و کارها عنداللزوم مورد بازبینی و جرح و تعدیل قرار گیرند.

سخن دوم: امید هر جامعه به جوانانش است. توانمندسازی نسل جوان و کودک باید اولین اولویت هر جامعه‌ای باشد و بیشترین سرمایه‌گذاری هم باید در همین راه انجام گیرد. بنده به اقتضای حرفه‌ی معلمی‌ام با کودک و جوان و توانایی‌هایشان آشنایی وسیع دارم. جوانان می‌توانند معجزه کنند، مشروط بر این که میدان داشته باشند، و در عرصه‌ی دانش و اندیشه جسور و سلحشور بار بیایند. در برنامه‌های آموزشی دبستانی و دبیرستانی مانعی و ایرادی نمی‌بینم ولی سیاست‌های اجرایی و امکانات مالی به راهی رفته است که آموزگاری و دبیری احترام شغلی لازم را ندارد. افراد توانا کمتر جذب می‌شوند. آیا خیلی مشکل است که بودجه‌ی آموزش و پرورش دو برابر و سه برابر آن چه که تا به حال بوده است باشد؟

در آموزش عالی علاوه بر کمبودهای مشهود فیزیکی باید به استحضار برسانم که محیط‌های دانشجویی مان‌علی‌الاصول عاری از نشاط است. نظارت‌ها و حراست‌های متداول جوانه‌های ابتکار و نوآوری و جسارت دست زدن به دست‌نرده‌ها را از جوان می‌گیرد. می‌شود به جوانان اعتماد کرد و باید اعتماد کنیم سیاست‌های اجرایی متولیان آموزش عالی ایرادهای بنیادین دارد.

با تشکر از فرصتی که به بنده داده شد و مصدع اوقات شدم.